

معرفی بازی رایانه‌ای

تاریخ‌خوانی با سفیر عشق

بازی رایانه‌ای «سفیر عشق: روز واقعه» روایتگر داستان حضور حضرت مسلم‌بن عقیل (ع) در شهر کوفه به‌عنوان سفیر امام حسین (ع) است که علاوه‌برروایت این بخش از زندگی این بزرگوار در قالب چندین گذشته‌نمایی و آینده‌نمایی به حادثه کربلا می‌پردازد. سفیر عشق نخستین بازی مذهبی –تاریخی در کشورمان است که با تحقیقات وسیع و مشورت با کارشناسان مذهبی بازی‌نامه آن تدوین شده است. این بازی تلاش دارد برای نخستین بار دریک‌روایت‌تعاملی مخاطبان گسترده‌بازی‌های رایانه‌ای را با فضای تاریخ اسلام ازیک منظر جذاب و تاثیر گذار آشنا سازد. دید بازی از منظر سوم شخص است. همچنین بازیکن در این بازی سیر رخداد‌های تاریخی را از منظر شخصیت مه‌ران که جوانی ایرانی و اهل ری است پی می‌گیرد و در روند بیان قصه مه‌رداد به واگویی تابستان گرم کوفه سال ۶۰ هجری خواهد پرداخت و اتفاقات تاریخی از زمان ورود مسلم‌بن عقیل (ع) به کوفه، دشمن بنی امیه، نقش افرادی مانند هانی‌بن عروه، مختار ثقفی، نعمان‌بن شیبیر و... را در یک روند تعاملی درک خواهد کرد. زائر بازی اکشن ماجراجوی بوده و تقریبا تمام نبردها با شمشیر انجام می‌گیرد به غیر از چند مورد خاص که ممکن است با دست خالی یا چاقو باشد. بخش اصلی روایت بازی در کوفه رخ می‌دهد، اما براساس مستندات تاریخی، بررسی مکان‌های متنوعی نظیر مخفیگاه مختار، زندان کوفه، دارالاماره، منزل مختار، منزل هانی، نخلستان و مسجد اعظم کوفه شبیه‌سازی شده است. همچنین برای نخستین بار براساس نقشه‌های تاریخی به‌طور کامل شهر کوفه مدل سازی شده است.

فضای بازی چگونه ترسیم شده است؟

از نظر تنوع محیطی و روایی، با توجه به داستان بازی که روایتگر تابستان سال ۶۰ هجری قمری است، محیط‌های مختلف و متنوعی که بعضا ویژگی‌های نوستالژیک دارد را شاهد هستیم. از این قبیل لوکیشن‌ها می‌توان به شهر کوفه، دارالعماره، مسجد کوفه، منزل هانی، منزل مختار و... اشاره کرد. شبیه‌سازی دقیق و براساس اسناد معتبر اسلامی شهر کوفه به‌عنوان لوکیشن اصلی رویداد‌های بازی و بالخصوص نقاط برجسته در فضای روایت بازی، نظیر منازل اشخاص مشهور یا مقر حکومت کوفه (دارالعماره)، از ویژگی‌های بارز این بازی است. همچنین توجه جدی شده که با توجه به حساسیت‌ها و علم بر اینکه این پروژه اولین تلاش در حوزه بازی‌های رایانه‌ای با محوریت اشخاص برجسته اسلامی و مذهبی است، محیط‌های تاریخی، کارا کترها و فضا‌سازی‌ها بسیار نزدیک به واقعیت باشد. فضای اقتباسی این اثر برگرفته از تاریخ‌نگاری حضور مسلم‌بن عقیل در کوفه تا شهادت وی به دست این مرجانه است که در محیط‌های متنوع بیابانی، داخلی، شهر کوفه، مخفیگاه کوهستانی و در تعامل با کاراکترهای منفی متعدد همچون ابن‌مرجانه، عمر بن سعد، شرطه‌ها و جاسوس‌ها رخ می‌دهد. این همخوانی بسیار درونی داستان با سبک Hack & Slash دارای نیروهای منفی متعدد، روند منطقی و خط مشخص قصه‌گویی رمز اصلی این انتخاب محسوب می‌شود.

بازی رایانه‌ای «سفیر عشق: روز واقعه» با بهره‌مندی از آخرین تکنولوژی‌های روز بازی‌سازی دنیا، در تمامی حوزه‌ها عم از مدل سازی، ریگ، انیمیشن، انیمیشن‌صورت و... مراحل تولید خود را سپری می‌کند. انجین مورد استفاده جهت توسعه این بازی رایانه‌ای «Unreal Engine» است که یکی از قدرتمندترین ابزارهای روز دنیا و مورد استفاده بزرگ‌ترین شرکت‌های بازی‌سازی دنیا است.

روایت این داستان، در قالب تعامل با بیش از ۲۰ کاراکتر شناخته‌شده تاریخی و بالغ بر ۴۰ کاراکتر مهاجم شکل می‌گیرد. همچنین در گیم‌پلی آن اکشن‌های هدفمند و ماموریت‌های مشخصی در نظر گرفته شده که بازیکن را در موقعیت‌های منحصربه‌فردی قرار می‌دهد. برای نخستین بار در بازی‌های ایرانی تجربه بازی آنلاین فراهم شده است؛ تجربه شگرفی که در میان مخاطبان طرفداران بسیاری دارد. در این بخش کاربر می‌تواند به‌صورت گروهی و آنلاین بازی کند.

چارسو

حملات به تاسیسات نفتی آرامکو، موضوع کاریکاتور شد



نمایشگاه کارتون و کاریکاتور «مقاومت یمن» پیش از ظهر دیروز (سه‌شنبه ۱۶ مهر) باحضور سردار عبدالرضاآزادی،معاون فرهنگی-هنری سازمان بسیج‌مستضعفین در مجموعه فرهنگی اسوه افتتاح شد. سیدمسعود شجاعی طباطبایی، دبیر نمایشگاه پیش از افتتاحیه گفت: قریب‌سه‌سال است که مردم مظلوم یمن تحت شدیدترین حمله‌ها از سوی رژیم آل سعود و حامیانش به‌خصوص دولت ترامپ قرار گرفته‌اند. آمار موجود از جمله به‌شهادت رسیدن یک کودک یمنی در هرهفت دقیقه، نشانگر عمق این فجایع است. «وی ادامه داد: «با کمک دوستان مان در روایت فتح تاکنون نمایشگاه‌هایی را با موضوع یمن برپا کرده‌ایم؛ موضوعی که باعث شد نمایشگاه حاضر را در کمترین زمان ممکن آماده کنیم.» این هنرمند عرصه کارتون و کاریکاتور ضمن انتقاد از سکوت رسانه‌های بین‌المللی در قبال فجایع یمن گفت: «می‌توان گفت ما کارنوئیست‌ها پیادانه‌نظام‌های فضای مجازی هستیم، کم‌اینکه در نمایشگاه قبلی با موضوع ربودن نفتکش ایرانی هم واکنش سریعی نشان دادیم و الحمدلله خیلی خوب هم دیده‌شد. به گفته دبیر نمایشگاه «مقاومت یمن»، ضربه مهیب یمنی‌ها به تاسیسات نفتی آرامکو و پس از آن به اسارت گرفتن جمع کثیری از نظامیان سعودی، بهانه و موضوع برپایی نمایشگاه مذکور است. شجاعی طباطبایی درباره تعداد آثار ارائه‌شده در نمایشگاه گفت: «در نمایشگاه «مقاومت یمن» ۳۸ اثر از ۱۱ نفر ارائه شده است.»



میلاد جلیل‌زاده

روزنامه‌نگار

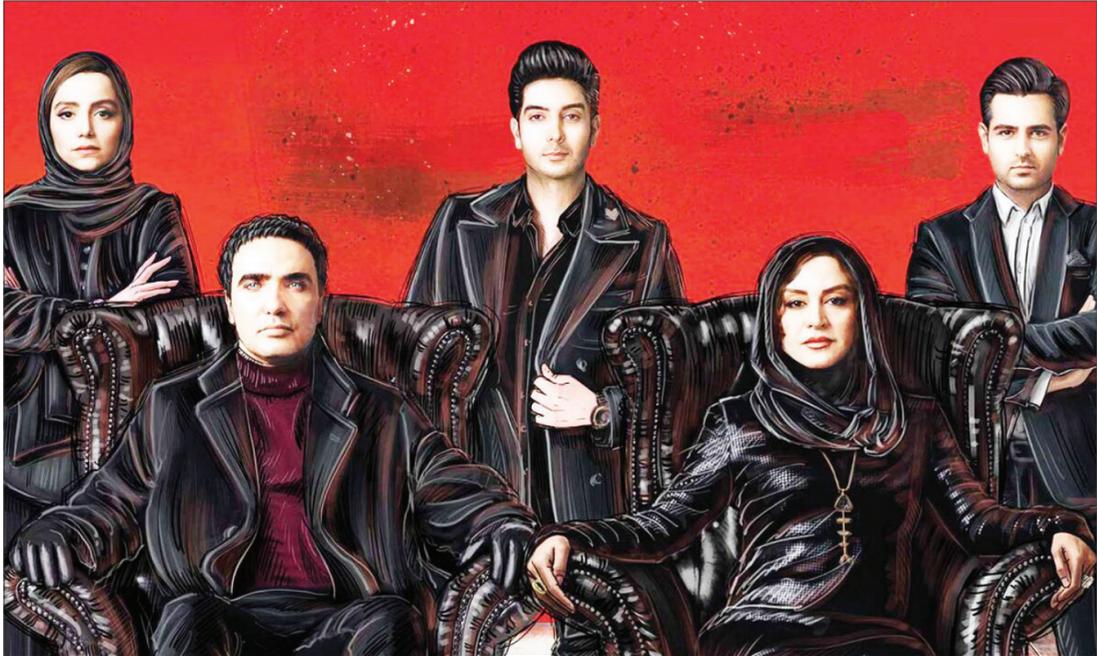
حسین سهیلی‌زاده از سال ۱۳۷۸ و وقتی ۲۵ ساله بود، تا امروز که ۴۵ ساله شده، حدود ۲۰ سال در تلویزیون ایران سریال‌سازی کرده است. او حتی یک کار سینمایی هم ندارد و هیچ‌وقت تا قبل از سریال «مانکن» در شبکه نمایش خانگی حضور نداشت. سهیلی در سال‌هایی که برای تلویزیون فعالیت می‌کرد، بسیار پرکار بود و حالا که سریال «مانکن» به کارگردانی او در شبکه نمایش خانگی توزیع می‌شود، می‌توان گفت یکی از بومی‌های تلویزیون از موطن اصلی‌اش به یک سرزمین یا شاید به یک بازار دیگر کوچ کرده است. این آیا نشانه‌ای از افول تلویزیون در سال‌های اخیر است. بررسی این روندها در سریال‌سازی تلویزیون ایران طی سال‌های اخیر مجال و مقال جداگانه‌ای می‌طلبد، اما نقدا می‌شود کوچ امثال سهیلی از خانه اصلی‌شان را نه به‌دلیل افول تلویزیون، بلکه به‌دلیل افول خود آنها دانست. حسین سهیلی‌زاده در سال‌های ۱۳۸۸ و ۱۳۸۹ با دو سریال پربیننده «فاصله‌ها» و «دلنوازان» به نامی نسبتاً آشنا برای مخاطبان تلویزیون تبدیل شد؛ اما نه تا آن حد که بینندگان، سریال‌ها را به‌خاطر حک شدن نام او در تیتراژ ببینند، چنانکه سیروس مقدم چنین جایگاهی را پیدا کرده است. از همان روزها که «فاصله‌ها» و «دلنوازان» روی آنتن تلویزیون رفت، انتقادات زیادی نسبت به سطحی بودن و کلیشه‌ای بودن کیفیت آنها مطرح می‌شد. این انتقادها بیشتر متوجه تأثیری بود که گفته می‌شد کارهای سهیلی‌زاده و به موازات آن سریالی مثل «ستایش» می‌توانست روی سطح سلیقه مخاطبان ایرانی بگذارد. چنین انتقادهایی اما نمی‌توانست جلوی کار حسین سهیلی‌زاده، سدی ایجاد کند. او در همان سال ۱۳۸۹ سریال «سراب» را هم برای شبکه یک سیما ساخت که سال بعد پخش شد و نتوانست مخاطبانی در اندازه دو سریال قبلی‌اش به دست بیاورد، سپس نوبت «سه، سه، پنج، دو» برای شبکه تهران رسید که هرچند طرفدارانی پیدا کرد، اما باز هم خاطره «فاصله‌ها» و «دلنوازان» را تکرار نکرد. «دختران هوا» و «آوای باران» دو کار بعدی او بودند که دومی‌تعداد مناسبی از مخاطبان را به دست آورد و اینها هنوز سهیلی‌زاده را روی فرم نشان می‌داد. پس از آن دو سریال، «آخرین بازی» و «نیاز» توسط او جلوی دوربین رفتند که هیچ‌کدام مخاطب چندانی نداشت و «پریا» در ۱۳۹۵ را می‌شود آخرین کار موفق حسین سهیلی‌زاده در تلویزیون دانست. «مرز خوشبختی» و «هست و نیست» توسط او در ۱۳۹۶ ساخته شدند و هیچ‌یک بیننده چندانی نداشتند. البته قضاوت درباره افول و رونق کاریک کارگردان در تلویزیون، نمی‌تواند براساس دوسریال کم‌مخاطب صورت گیرد؛ چه اینکه سینوس‌ها و فرود و فرازهایی از این دست در کار هر فیلمسازی وجود دارد، اما چیزی که نشانه افول است، جو عمومی جامعه و رویکرد مخاطبان نسبت به این سبک به‌خصوص از فیلم‌های سینمایی و سریال‌های تلویزیونی است. کلیشه‌های آشنا و پرتکرار سبکی که حسین سهیلی‌زاده برای قصه‌گویی و فیلمسازی انتخاب کرده بود، طی چند سال اخیر بیش از اندازه توسط خود او و کارگردان‌های دیگر مورد استفاده قرار گرفته و همین مخاطبان را دلزده کرده است.

فیلمفارسی‌های پاپ

حسین سهیلی‌زاده پس از آنکه سبک سریال‌سازی‌اش در تلویزیون مثل سابق جواب نمی‌داد و برای مخاطبان تکراری شده بود، حالا به شبکه نمایش خانگی آمده بود

فرهنگ

۱۳



بررسی سریال «مانکن» ساخته حسین سهیلی‌زاده

مانکن فیلمفارسی‌ها

پدر کاوه رابطه‌ای عاشقانه وجود داشته، اما مشکلاتی بر سر راه آن رابطه ایجاد می‌شود و پدر کاوه با زن دیگری که حالا مادر کاوه است، ازدواج می‌کند. حالا کتابون می‌خواهد با کاوه ازدواج کند و در قسمت‌های آینده، چنین هم می‌شود. پس از این صحنه، دوربین به خانه بی‌اندازه فقیرانه مادر و خواهر کاوه سسر می‌زند. آنها آش می‌پزند تا دستفروشی کنند و بدهی مرد خانواده را بدهند که از زندان بیرون بیاید. به‌راستی باور اینکه خانواده‌ای تا آن حد اعیانی، بلافاصله پس از شکست خوردن مالی، حاضر شوند به چنین کاری تن بدهند و امید داشته باشند که با این درآمد‌های خود بدهی کلانی را پس بدهند، چقدر محتمل و واقعی است؟ درگیری همتا با ناپدري معنادی که مادرش را کتک می‌زند و فرار از خانه و سپس آشنایی با یک باند خلافکار و درآمدن به عضویت آن هم در همین حد سطحی و غیرمنطقی است. رابطه کاوه و کتابون، یادآور رابطه‌ای است که فیلم «در امتداد شهر» به‌عنوان یکی از شاخص‌ترین فیلمفارسی‌های قبل از انقلاب نمایش می‌داد. خصوصیت عمده این نوع آثار آن است که به بهانه مذمت یک چیز، آن را نمایش می‌دهند تا مخاطب را جذب کنند. پرویز ناتل خانلری همان سال‌ها در یکی از مجلات ادبی نوشته بود که زمان‌های بازاری ایران، به بهانه مذمت شهوات، آنها را نمایش می‌دهند و به‌خاطر نمایش شهوات است که می‌فروشند. این شیوه غیر از مشتبه‌جنسی، در مورد خشونت، کسب ثروت از راه ناسالم و موارد متعدد دیگر هم وجود دارد. «در امتداد شهر» هم هر چیزی را که در ظاهر نقد می‌کرد، در واقع نمایش می‌داد و هنوز هم این فرمول در حال اجراست؛ یعنی «مانکن» طبق این قاعده رفتار می‌کند.

این کلیشه‌های ریاکارانه بی‌میلی نشان دادند و کار به جایی رسید که در سال‌های ۵۵ و ۵۶، عملا سینمای ایران ورشکسته شده بود. مدتی دوری از این فضاهای کلیشه‌ای، اگرچه ممکن است دلزدگی مردم را نسبت به آنها تا حدودی از یادشان ببرد و باعث شود آثار به این سبک، پس از ورشکستگی کامل در یک دوره زمانی، مجدداً به میدان بیایند، اما هر دوره‌ای مقداری از اعتبار کلی این آثار کم می‌کند و طبیعتاً دوره‌های اقبال به آنچه به‌عنوان فیلمفارسی می‌شناسیم، هر بار کوتاه‌تر از قبل می‌شود. «مانکن» در همان سکانس افتتاحیه‌اش نشان می‌دهد که یک فیلمفارسی پاپ است. اندکی پس از اینکه کاوه (امیرحسین آرمان) به همتا (نازنین بیاتی)، به شکلی بیرون‌زده و غلوشده می‌گوید که باید از هم جدا شوند، حدود چهار دقیقه کامل یک موسیقی پاپ با صدای فرزاز فرزین بخش می‌شود. این در حالی است که طی سکانس قبلی هم موسیقی از دیالوگ‌ها غالب‌تر بود و پس از قطع شدن صدای فرزین، باز موسیقی پاپ و غلیظ دیگری روی صحنه قدم زدن همتا در یک خیابان برفی و نگاه کاوه از پنجره یک اتومبیل به بیرون پخش می‌شود. این دقیقاً تکنیک فیلمفارسی بود که هرقرت از درگیر کردن مخاطب توسط پرورش درام ناتوان می‌ماند، کار را با غلوه‌های روایی و بازی‌های درشت ادامه می‌داد و وقتی این روش هم جواب نمی‌داد، قصه‌گویی را رها می‌کرد و دست به دامان موسیقی می‌شد. کاوه پس از این سکانس به منزل بسیار اعیانی کتابون با بازی مریلا زارعی می‌رود و معلوم می‌شود جدا شدن از همتا خواست کتابون بوده است. کتابون دخترعموی پدر کاوه است که حالا به دلیل بدهی به زندان افتاده است. بین کتابون و

تا با استفاده از زرق و برق لوکس و اشرافی این فضا، بخت خودش را در یک مدیوم دیگر آزمایش کند. اما او به اینجا هم دیر رسیده و وقتی آمده است که رئال‌مدربدی از ستاره‌های بازیگری در روایت داستان و شکوه قصه‌ها، خانه‌های اعیانی و همین‌طور نمایش شیک‌ترین ماشین‌ها و به‌طور کل سبک زندگی‌هایی به‌شدت اشرافی، دیگر مثل سابق برای مخاطبان تازنده نیستند. فیلمسازی حسین سهیلی‌زاده در این مدیوم جدید که به آن ورود کرده، از همین‌جاست که دچار تناقضی اساسی و جدی می‌شود. او می‌آید تا هرچه در توانش هست، تصاویر شیک و ماشین‌ها و لباس‌های لاکچری را نشان مخاطب بدهد و علاقه‌مندان به این فضا را جذب کند تا بگوید همه اینها به هستند و از این طریق، منتقدان این سبک زندگی را هم جذب کرده باشد. حتی اگر یک فیلمساز پخته و عمیق می‌خواست چنین دوگانه‌ای را یک‌جا جمع کند، ممکن نبود بتواند از دامنه تناقضات آن برکنار بماند و مشخص است که سبک عامیانه حسین سهیلی‌زاده حتی بیشتر می‌تواند از این ناحیه ضربه بخورد. رُست انتقاد اجتماعی گرفتن و سطحی‌ترین بیان ممکن را برای روایت یک سریال انتخاب کردن، تناقض دیگری است که «مانکن» حسین سهیلی‌زاده گرفتار آن شده است. چنین کاری بیشتر از آنکه رفتن سریع دردها و دغدغه‌های مردم به نظر برسد، شبیه کاسبی از وضع موجود است. فیلمفارسی دقیقاً چنین شیوه‌ای بود. در اوج فاصله طبقاتی دهه‌های ۴۰ و ۵۰، فیلمفارسی یا همان فیلم‌های آنگوشتی، با ژستی که سعی می‌کرد مردمی و متعلق به طبقات پایین به نظر برسد، تقریباً تمام سینمای ایران را قبضه کرده بود، اما هرچه گذشت، مخاطبان سینما بیشتر از قبل نسبت به

نگاه

برنامه‌های گه شبیه عصر جدید نیست



سرگرم کننده باشد، ولی این موضوع نباید باعث شود هویت این برنامه را غیردقیق بشناسیم. میدون هرچند تلاش می‌کند به‌طور محدود از شاخصه‌های سرگرم‌کننده استفاده کند، ولی به هر حال تاکید و هویت و مبناي آن از کسب‌وکار و مساله کارآفرینی سرچشمه می‌گیرد.

به هر حال آنچه به‌عنوان نخستین تلاش جدی خانه تولیدات جوان صداوسیما در برنامه‌سازی اقتصادی در چند قسمت ابتدایی «میدون» روی آنتن رفته، این منظور می‌رساند که این مجموعه تازه‌نفس با همراهی شبکه ۳ سیما قصد داشته کار جدی‌ای در فضای اقتصاد و رونق تولید انجام دهد و آنچه تا به حال دیده‌ایم، شمایبی از یک برنامه امیدوارکننده است که اگرچه شاید بتوان عنوان متفاوت‌ترین برنامه اقتصادی تلویزیون را به آن نسبت داد، ولی به نظر می‌رسد در حال هوای کنونی جامعه، می‌تواند خود را تثبیت کند و جایگاه ثابتی در سبید مخاطب به خود اختصاص دهد. تابه‌حال کمتر برنامه اقتصادی توانسته مخاطبان پرشماری را کسب کند، اما اگر میدون بتواند با این شکل و شمایل، کار خود را به‌درستی انجام دهد، به یک اتفاق ویژه در میان تمام برنامه‌های اقتصادمحور تلویزیون بدل خواهد شد؛ تلاشی که در سال رونق تولید می‌تواند حائز مفهوم باشد.

شبکه ۳ در یک سال اخیر میزبان برنامه‌های تلویزیونی بوده که توانسته‌اند به پربیننده‌ترین برنامه‌ها تبدیل شوند. عصر جدید، ستاره‌ساز و برنده باش از برنامه‌هایی بودند که نتوانستند به میزان مطلوبی از رضایت و گستره بیننده دست یابند و جزء اتفاقات مثبت تلویزیونی از نگاه بینندگان باشند. ایین موضوع البته باعث افزایش توقعات از شبکه به لحاظ بالا رفتن میزان استانداردهای برنامه‌سازی در این شبکه شد. با اتمام پخش این برنامه‌ها خبر تولید چند برنامه شبانگاهی جدید از شبکه ۳ به گوش رسید که نخستین این برنامه‌ها «میدون» بود؛ برنامه‌ای با همت خانه تولیدات جوان صداوسیما که هرچند یک مسابقه نمایشی به حساب می‌آید، اما تفاوت‌هایی جدی با مسابقاتی مانند عصر جدید دارد که شاید مبنای قیاس میان این دو برنامه را به چالش بکشد؛ موضوعاتی که مهم‌ترین غیرنمایشی بودن و تمرکز بر فضای اقتصادی آن است.

عصر جدید با محوریت شناسایی استعداد‌های کشف‌نشده در زمینه‌های مختلف تولید شد و طبیعتاً جنس برنامه به گونه‌ای تنظیم شده بود که جنبه نمایشی و سرگرمی آن بر وجوه دیگر غلبه داشت و تنوع نقرات مرحله‌نهایی از خواننده نوجوان تا هنرنمایی با خاک نشان از این تنوع سرگرم‌کننده داشت. میدون هرچند هیات داوران دارد، اما شرکت‌کننده‌هایی دارد که با هم رقابت می‌کنند و هرچند در نگاه اول کم‌شابهت به عصر جدید نیست، ولی محوریت آن با کارآفرینان برتری است که نوع و خلاقیت اقتصادی دارند و نیازمند حمایت مالی برای افزایش گستره تولید و کارآفرینی خود هستند. این یعنی تمام بازی‌های حاشیه‌ای آن، از برخی اکسسوار نمایشی تا حضور استندآپ کم‌دینی مانند علی قمی در حاشیه هستند و متن مورد توجه برنامه کارآفرینی و خلاقیت اقتصادی است و از این منظر قیاس میان این دو برنامه خیلی دقیق نیست، چراکه عصر جدید یک برنامه نمایشی سرگرم‌کننده بود و میدون به دنبال کارآفرینی و خلاقیت اقتصادی است.

البته ممکن است ذائقه مخاطبان شبانگاهی شبکه ۳ منتظر یک شوی